



# حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری

محمد شلیله

مقاله حاضر شماری از مطالعات جامعه‌شناسی حرفه‌ها<sup>۱</sup> و حرفه‌ای‌گری<sup>۲</sup> را که اغلب در اطراف دهه ۱۹۹۰ و بعد از آن انجام گرفته و آینده حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری را به پرسش گرفته‌اند، برمی‌رسد. این بررسی بیشتر از دو کار فریدسن (Freidson, 1986 and 2001)، آخرین کار ابات (Abbott, 1988)، کراس (Krause, 1996a) و برتیلسون (Bertilson, 1990a) و شماری دیگر از پژوهش‌های نظری اخیر بهره برده است. از میان پژوهشگران نامبرده فریدسن و کراس (از امریکا) و ابات (از انگلستان) در این حوزه پژوهش جامعه‌شناختی پر آوازه‌تر و کارهایشان مورد استناد اغلب پژوهش‌های معاصر قرار گرفته است. این بررسی آشکار می‌سازد، توافقی بین جامعه‌شناسان معاصر بر سر قطعیت نسبی تاثیر ترکیبی از عوامل متعدد بر آینده حرفه‌ها وجود ندارد، اما جملگی گرایش نسبی مشترکی دارند مبنی بر اینکه سهم حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری در روابط قدرت در کل جامعه‌های پیشرفته صنعتی، یا به بیانی دیگر در جامعه‌های پساصنعتی کنونی و قدرت آنان در کنترل کار حرفه‌ای، کنترل محیط کار حرفه‌ای و بر همین منوال قدرتشان در کنترل بازار کار حرفه‌ای در اثر فزونی گرفتن قدرت نهاد سرمایه که حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری را به بازاری‌تر شدن سوق داده، کاهش گرفته است.

بیشتر مطالعات جامعه‌شناسی حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری بر پایه یکی از دو رویکرد از هم بازشناختنی رایج سامان می‌گیرد که یکی بر خصوصیات ویژه مشاغلی که حرفه‌ای‌اند<sup>۳</sup> تاکید می‌کند و دیگری حرفه را به عنوان گونه ویژه‌ای از شغل که خود و موضوعش را کنترل می‌کند<sup>۴</sup> مورد توجه قرار می‌دهد (Brewer, 1985). بررسی

حاضر بر بنیاد رویکرد دوم انجام گرفته است. در این مقاله نخست توضیح داده می‌شود که مسایل عام حرفه از نظر جامعه‌شناسان این حوزه بررسی و از جنبه‌های گوناگون در زمان حاضر کدامند، سپس عوامل موثر بر ساختار قدرت در حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری در پیوند با مناسبات قدرت در جامعه‌ها توضیح داده می‌شود. پس از آن پویای حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری را در جامعه‌های تغییر یابنده کنونی می‌کاود و سرانجام عواملی که تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر روابط قدرت در حرفه و در پیوند با مناسبات قدرت عام دارند می‌شکافد و توضیح می‌دهد.

مصادق مفهوم «حرفه» در این مقاله دربرگیرنده هر نوع شغلی است که به طور عام در چارچوب تعاریف گوناگون، حرفه‌ای به شمار می‌آید. در مورد تعریف و مصادق شغل حرفه‌ای نیز در جامعه‌شناسی معاصر توافق عامی وجود ندارد. از این رو مصادق مفهوم حرفه در این مقاله بر تعریف مشخص و توافق شده‌ای استوار نیست. برای مثال در حالی که شماری از نویسندگان «راهنمای مذهبی بودن» را کاری حرفه‌ای می‌دانند، شماری حتی «پزشکی» را کار حرفه‌ای به حساب نمی‌آورند. اما دست کم در مورد مشاغلی مانند «حسابداری»، «وکالت» و «پرستاری حرفه‌ای»<sup>۵</sup> توافق نسبی وجود دارد. از این رو در این مقاله، همچنان که در منابع مورد بررسی این مقاله، مفهوم حرفه در عام‌ترین گستره شمول آن به کار گرفته شده است. دیگر اینکه مفهوم حرفه و نظریه‌های مربوط در این مقاله به استناد منابع مورد استفاده، به مشاغل حرفه‌ای کشورهای صنعتی رشد یافته از نظر اقتصادی یا جامعه‌های مدرن و جامعه‌های فراصنعتی یا پسامدرن (که البته نگارنده خود با این تقسیم‌بندی در

این زمینه موافق نیست و آن را توصیه نمی‌کند) نظر دارد، منتها این واقعیت دست کم به طور کامل حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری در ایران را آنقدر از شمول چارچوبهای بررسی این مقاله مستثنی نمی‌کند که نشود حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری در ایران را از دیدگاه یافته‌های این مقاله ارزیابی کرد. افزون بر این به طور کلی چه از جنبه نظری و چه در وجه تجربی تفاوت حرفه‌های همسان در جوامع مختلف موضوعی شناخته شده است. مورفی (Murphy, 1990d) دریافته است که به دشواری ممکن است دو جامعه را یافت که حرفه‌های آنها به نحو کامل همسان باشند، و ایات (Abbott, 1988) پارا از این نیز فراتر گذاشته، تصریح کرده است که حتی هیچ حرفه‌ای نمی‌تواند برای همیشه در همان وضعی که قرار داشته باقی بماند. نگارنده در یک بررسی در مورد حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری در کانادا دریافته است که برخی از حرفه‌ها در این کشور که از اقتدار چشمگیری در زمینه کنترل موضوع کار، بازار کار و نیروی کار خود برخوردارند، حرفه‌هایی هستند که بیش از آنکه کارکرد «انجمن حرفه‌ای» داشته باشند کارکرد «اتحادیه صنفی» به خود گرفته‌اند و از این رو تفاوت چشمگیری از نظر چارچوبهای فعالیت و کارکرد با سایر حرفه‌ها در کانادا دارند.

این مقاله در دو بخش عرضه می‌شود که بخش دوم آن را در شماره بعد خواهید خواند.

### جنبه‌های گوناگون آینده حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری

شماره درخور توجهی از جامعه‌شناسان کار که از سالهای نیمه دوم دهه ۸۰ میلادی و پس از آن به پژوهش در زمینه حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری پرداخته‌اند، انگیزه بررسی شان وجود ابهام و نگرانی در مورد آینده مشاغل حرفه‌ای بوده است. برخی از آن میان شدت نگرانی شان در اینباره را حتی در عنوان کتابهایشان آشکار کرده‌اند. «زوال حرفه‌ها»<sup>۶</sup>، «مرگ صنفها»<sup>۷</sup> و «پایان حرفه‌ها»<sup>۸</sup> هر یک عنوان کتابی است که در دهه ۹۰ میلادی و پس از آن انتشار یافته است. با این حال همین پژوهشگران از بررسیهایشان به نتایجی امیدوار کننده تر از ناامیدی بازتاب یافته بر عنوان کتابهایشان رسیده و اغلب آنها وجود جریانی از بازسازی حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری، نوزایی در حرفه و باز تعریف حرفه‌ای‌گری در آینده را به نحوی بارز پیشبینی کرده‌اند، در حالی که گرایش عام نیز نزد آنان وجود دارد که از قدرت حرفه‌ها در دوران اخیر در برابر قدرت گرفتن نهاد سرمایه کاسته

شده است.

برینت (Brint, 1994) در بررسی تغییرات وضعی حرفه‌ها در گوناگونی چشمگیری را از زمانی در گذشته که نهاد حرفه‌ای‌گری امین جامعه شناخته می‌شده است تا زمان معاصر که نگرش عرضه کارهای کارشناسانه باب بازار در آن نضج گرفته، مشاهده کرده است. به نظر وی بسیاری از جامعه‌شناسان به حرفه‌ای‌گری تنها به عنوان نهاد پیشرو تشکیل جامعه پسا صنعتی<sup>۹</sup> می‌نگرند که در آن آموزه‌های رسمی برای همیشه مهمترین مرجع هدایت توسعه اقتصادی و چاره‌جویی برای حل مشکلات اجتماعی بوده است. به نظر برینت این گروه از جامعه‌شناسان از دریچه‌ای به کار حرفه‌ای می‌نگرند که در آن هر رویکرد چاره‌جویانه‌ای به معضلات اجتماعی و اقتصادی، مطلقاً بر دانش و کار کارشناسی استوار است. اما خود او ویژگیهای حرفه‌ای‌گری معاصر را محصول پیوند نزدیک آن با

**شماره درخور توجهی از جامعه‌شناسان کار که از سالهای نیمه دوم دهه ۸۰ میلادی و پس از آن به پژوهش در زمینه حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری پرداخته‌اند انگیزه بررسی شان وجود ابهام و نگرانی در مورد آینده مشاغل حرفه‌ای بوده است**

توسعه سازمانها و صنایعی می‌داند که گروههای گسترده‌ای از متخصصان حرفه‌ای را به استخدام در می‌آورند. بر این اساس برخلاف کسانی که برجسته‌ترین ویژگی حرفه‌ها را تنها دانش پایه بودن آنها می‌دانند، برینت حرفه‌های کنونی را «شغل - بنیاد»<sup>۱۰</sup>، «سازمان - بنیاد»<sup>۱۱</sup> و «بازار - بنیاد»<sup>۱۲</sup> توصیف می‌کند. از نظر او در جامعه‌های پسا صنعتی اغلب مشاغل «دانش - بنیاد»<sup>۱۳</sup> اند و این ویژگی دیگر تنها امتیاز مشاغلی که حرفه‌ای به شمار می‌آیند نیست. کراس اما تغییر چشمگیر در سرشت حرفه‌ها را حاصل افزایش نظارت دولتها بر کار آنان در جریان همکاری با نهاد سرمایه می‌داند. او در این قضاوت خویش بیشتر به کارکرد حرفه‌ها در جریان خصوصی سازی در کشورهای پیشرفته صنعتی نظر دارد که طی آن دولتها از طریق حرفه‌ها بر نهاد سرمایه نظارت اعمال می‌کنند. کراس

است و اکنون نهادهای سرمایه و دولت هستند که شکل و کارکرد انجمنهای حرفه‌ای، محیط کار حرفه‌ای، بازار کار آنها و رابطه گروههای حرفه‌ای را با دولت تعیین می‌کنند. از سوی دیگر **چمبرز** (Chambers, 1993) چالش حرفه‌ای‌گری در دوران معاصر را با توسعه شهرها وابسته می‌داند. در نظر او توسعه شهر و رشد حقوق و به رسمیت شناخته شدن حق شهر وندی در مناسبات شهرنشینی جدید سبب شده است که ارزشها، ملاکها و روابط قدرت در حرفه‌ها در دوران معاصر در مقایسه با پیش از آن تغییر یابد. به طور کلی بررسی نظریه‌های متعدد همراه با تاکید بر جنبه‌های متفاوت موثر بر سر نوشت حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری آشکار می‌سازد که چالش حرفه‌ای‌گری در جامعه‌های متفاوت، با پیشینه تاریخی متفاوت، در ساختار سیاسی متفاوت و در پیوند با ارزشهای اجتماعی متفاوت، گوناگونیهای چشمگیری را در سازوکار حرفه‌ها و به ویژه چنانکه پس از این توضیح داده خواهد شد در قدرت کنترل حرفه‌ها پدید می‌آورد. با این حال و به رغم توافقی نسبی در این مورد، **پرکین** (Perkin, 1996b) به وجود الگوی حرفه‌ای‌گری جهانی نظر دارد. از نظر او یک الگوی به طور نسبی یکسان حرفه‌ای‌گری جهانی در جامعه‌های پیشرفته صنعتی وجود دارد.

### سرچشمه قدرت حرفه‌ها

مناسبات «قدرت و کنترل»<sup>۱۶</sup>، عرصه پویای سیاسی-اجتماعی حرفه‌هاست. به نظر **فریدسن** (Freidson, 2001)، شغلی حرفه‌ای است که از قدرت<sup>۱۷</sup> تعیین صلاحیت کسانی که در آن شغل انجام وظیفه می‌کنند برخوردار باشد، اقتدار جلوگیری از کار کسانی که فاقد صلاحیت کار در آن شغل باشند را داشته باشد و قادر باشد بر ملاکهای ارزیابی عملکرد شغل مربوط، کنترل اعمال نماید. از نظر **ابات**، کارکردهای پیشگفته که فریدسن آنها را به عنوان اجزای قدرت حرفه‌ای معرفی می‌کند به طور معمول در چارچوب مناسبات وظیفه و نقش شغل حرفه‌ای با خارج از حوزه شغل شکل می‌گیرد، و خود نتیجه برخوردار بودن از قدرت حرفه‌ای است. در حالی که به عقیده **ابات** پایه اصلی تشکیل قدرت حرفه‌ای دانش مجردی است که محتوای شغل حرفه‌ای به آن وابسته است و کارایی و اثربخشی سازمان اجتماعی حرفه‌ها را نزد عموم و مراجع قانونی آشکار می‌سازد، قضاوت حرفه‌ای در شغل مربوط را از پذیرش عام و از اعتبار قانونی برخوردار می‌گرداند و اقتدار کنترل کار موضوع حرفه را به آن تفویض می‌کند. از نظر **ابات** قدرت کنترل کار حرفه‌ای در

در مرحله بعدی هویت حرفه‌ها را به نوع سازمان یافتگی نهاد سرمایه نیز مرتبط می‌داند و عقیده دارد که حرفه‌ها به میزان درخور ملاحظه‌ای از این سازمان یافتگی یا به عبارتی دیگر از ساختار اجتماعی نهاد سرمایه تاثیر می‌پذیرند. **برادبنت و دیگران** (Broadbent and Others, 1997a) تغییر چشمگیر در سازوکار حرفه‌ای‌گری در دوران اخیر را زوال کنترل‌های نهادی شده در حرفه و جایگزین شدن این گونه کنترلها با استقرار سیستم پاسخگویی حرفه به واکنش مشتریان کار حرفه‌ای دانسته است. اینان معتقدند، تداوم حیات حرفه‌ها از این پس به اصلاح نظریه حرفه‌ای‌گری، تمرکز بر تجربه‌های عملی دوره جدید فعالیت‌های حرفه‌ای، افزایش مهارتهای عرضه کار و تبلیغات و تعدیل ساختار سازمانی حرفه‌ها بستگی دارد.

## مصدق مفهوم «حرفه» در این مقاله

### در برگیرنده هر نوع شغلی است

### که به طور عام در چارچوب

### تعاریف گوناگون

### حرفه‌ای به شمار می‌آید

برادبنت و همکارانش انجام این گونه اصلاحات را در پاسخ به نیازهای بخش سرمایه اجتناب ناپذیر می‌دانند. کراس نیز زوال کنترل‌های نهادی شده مورد بحث برادبنت و همکارانش را با اهمیت دانسته است. علاوه بر این او حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری را در شکل پیشین آن رو به زوال می‌داند. البته او در این قضاوت خود بیشتر به **صنف**<sup>۱۸</sup> که از جنبه تاریخی صورتبندی عام و پیشین حرفه بوده است نظر دارد، که در برگیرنده تمامی مشاغل هم‌سنگ متشکل برخوردار از مهارتهای ویژه است و حرفه‌ها را هم در بر می‌گرفته است. به نظر کراس صنفا و صنفی‌گری در کلیت خود به تدریج توانایی کنترل (قدرت) **انجمن**<sup>۱۹</sup> شان را که کنترل محیط کار، بازار کار و روابطشان را با دولتها بر عهده داشت، از دست داده‌اند. از نظر او قدرت صنفا به نحو رو به تزایدی جای خود را به قدرت بخش سرمایه یا قدرت دولت و یا هر دو داده است. از این دیدگاه، مناسبات قبلی که در آن حرفه‌ها به عنوان مشاغل دانش-بنیاد از طریق مشارکت در تدوین خط مشی‌ها و چاره‌جویی در مورد مشکلات اقتصادی و اجتماعی و مانند آن از اقتدار برخوردار می‌شدند تغییر تعیین کننده‌ای یافته

موسسه‌ای که شاغلان شغل حرفه‌ای در آن آموزش می‌بینند نطفه می‌بندد، و با موفقیت در آزمون‌هایی که برای ارزیابی صلاحیت آنان برگزار می‌شود و پس از دستیابی به گواهی کار حرفه‌ای رسمیت می‌یابد و در صورت رعایت ضوابط اخلاقی تداوم می‌یابد. او عقیده دارد که مشروعیت حرفه‌ها در جامعه‌ها که تداوم اقتدار آنان را امکانپذیر می‌سازد به عملکرد آنان بستگی دارد. ابات دستیابی

حرفه‌ها به مشروعیت حرفه‌ای را به نحوه «تشخیص مسئله»، «استنتاج و قضاوت» و «راه حل» وابسته می‌داند. وی از سوی دیگر نقش دانش رسمی در حرفه‌ها را در مشروعیت بخشیدن به کار حرفه‌ای مهم می‌داند،



اما تحقق و تداوم این مشروعیت را به همخوانی میناهای قضاوت حرفه‌ای با آن گروه از ارزشهای فرهنگی جامعه که بر بنیاد عقلانیت، منطقی بودن و علمی بودن شکل می‌گیرد، می‌داند. فریدسن البته در کار ۱۹۸۶ خود میزان قدرت حرفه‌ها را به میزان مشارکتشان در تصمیم‌سازیها و اداره امور، میزان مشارکتشان در تعریف نیازهای عموم و تحلیل مسائل مربوط، میزان مشارکت آنان در تخصیص منابع و اندازه نفوذشان بر مشتریان (استفاده‌کنندگان از خدمات حرفه‌ها) مرتبط دانسته است. یافته‌های پژوهشهای او در دوره‌ای که او اواخر سالهای دهه ۸۰ و سالهای نخستین دهه ۹۰ را در می‌گیرد و عمدتاً در مورد حرفه‌ای‌گری در ایالات متحده آمریکا انجام گرفته، آشکار ساخته است که حرفه‌ها در ایالات متحده آمریکا در دوران مورد بررسی در سطح امور جاری کنترل اندکی روی تصمیم‌سازیها، مشارکت ناچیزی در تعریف نیازهای عمومی جامعه و مسائل مربوط به آن و همچنین نفوذ کمی روی تخصیص منابع داشته‌اند. او در این بررسی دریافته است، در این دوره حرفه‌ها اقتدارشان را بیشتر در مورد مشتریان فردی و کنترل کار حرفه‌ای است که به نحو معنیداری حفظ کرده‌اند. فریدسن اظهار داشته است که در دوره یادشده تنها گردانندگان انجمنهای حرفه‌ای که از اقتدار سیاسی بالایی برخوردار بوده‌اند امکان یافته‌اند که از طریق مشارکت در تدوین پیشنویس قوانین، تنظیم روشهای اجرای قوانین و تدوین استانداردهای عملیاتی مربوط به پاسخگویی به نیازهای عمومی

حرفه‌ها و حرفه‌های خود را تداوم بخشند. فریدسن (۲۰۰۱) تصریح می‌کند که اکنون هیچ انجمن حرفه‌ای بدون حمایت دولت نمی‌تواند وجود داشته باشد. از نظر فریدسن این دولت است که قدرت تعریف و تعیین «کار» را دارد، حق قضاوت حرفه‌ای را تثبیت می‌کند، و از حقوق کار حرفه‌ای در برابر کارفرمایان حمایت می‌کند، به حرفه‌ها مشروعیت می‌بخشد، در تاسیس و تداوم فعالیت موسسات آموزش مشاغل حرفه‌ای نقش قاطع دارد، اعتبار خدمات حرفه‌ای را در سطح دولت تعیین می‌کند و می‌تواند به ایدئولوژی حرفه‌ای‌گری اعتبار بخشد. در عین حال او آشکار ساخته است که نوع و میزان حمایت دولتها از

حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری، در چارچوبهای پیشگفته، بر حسب نوع سازمان دولتها و برنامه کاری آنان متفاوت است و به زمان و مکان نیز وابسته است. ابات نیز عقیده دارد که به طور معمول «دولت»ها در محدود کردن قدرت حرفه‌ها نقش ایفا می‌کنند. از دیگر جامعه‌شناسانی که در زمینه قدرت حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری کار کرده‌اند، برتیلسون ارتباط درونی بین قدرت حرفه‌ای و حقوق شهروندی را از این نظر که متقابلاً در انتظام یکدیگر تأثیر معنیدار دارد مورد توجه قرار داده است. پیوند حقوق شهروندی با اقتدار حرفه‌ها دو جنبه متضاد دارد، یکی اینکه حرفه‌ها در جامعه‌هایی که حقوق شهروند از رسمیت بیشتری برخوردار است، از این جهت از اقتدار بیشتری می‌توانند برخوردار باشند، در حالیکه رسمیت داشتن حقوق شهروند می‌تواند از میزان وابستگی شهروند در مناسبات شهری به مراجعه دایمی به حرفه‌ها بکاهد. پرکین اما کلیت جامعه‌های مدرن و به ویژه پسا مدرن را جامعه‌های زیر نفوذ متخصصان حرفه‌ای می‌داند. او نوع ویژه‌ای از تقسیم‌بندی جامعه‌ها را عرضه کرده است: «جامعه‌های قبل از صنعتی شدن» که تحت سیطره «اربابها» بوده است، «جامعه‌های صنعتی» که تحت سیطره «سرمایه دارها» است و «جامعه پسا صنعتی» که تحت سیطره «حرفه‌ای‌ها» است. با این حال به عقیده پرکین قدرت حرفه‌ها در جامعه‌های مدرن توأم‌آز دانش تخصصی اعضای حرفه‌ها، توانایی رقابت و تجربه در کارشان سرچشمه می‌گیرد. منتها به نظر پرکین در

**Case of Dentistry in Canada**, Thesis (M.A.), Carleton University, Ottawa: pp. 1-101, 1985

● Brint, S., **In an Age of Experts: The Changing Role of Professionals in Politics and Public Life**, Princeton University Press, Princeton, New Jersey, pp. 3-96, 1994

● Broadbent, J., Dietrich, M and Roberts, J., **The End of the Professions**, In Broadbent, J., Dietrich, M. and Jennifer Roberts, **The End of the Professions?**, Routledge, London: pp. 1-137, 1997

● Chambers, R., **Challenging the Professions: Frontiers for Rural Development**, Intermediate Technology Publications, London: pp. 1, 1993

● Collins, R., **Changing Conceptions in the Sociology of Professions**, In Torstendahl, R. and Burrage, M., **The Formation of Professions: Knowledge, States and Strategy**, SAGE Publications, Sweden: pp. 21-23, 1990

● Freidson, E., **Professional Powers: a Study of the Institutionalization of Formal Knowledge**, The University of Chicago Press, Chicago and London: pp. 111-218, 1986

● Freidson, E., **Professionalism: The Third Logic**, The University of Chicago Press, Chicago: pp. 12-128, 2001

● Krause, E.A., **Death of the Guilds: Professions, States, and the Advanced of Capitalism**, 1930 to the Present, Yale University Press, New Haven and London: pp. ix 284, 1996a

● Larson, M.S., **In the Matter of Experts and Professionals, or How Impossible It Is to Leave Nothing Unsaid**, In Torstendahl, R. and Burrage, M., **The Formation of Professions: Knowledge, States and Strategy**, SAGE Publications, Sweden, 1990

● Middlehurst, R. and Kennie, T., **Leading Professionals: Towards New Concepts of Professionalism**. In, Broadbent, J., Dietrich, M. and Roberts, J., **The End of the Professions?** Routledge, London: pp. 59, 1997

● Murphy, R., **Proletarianization or Bureaucratization: The Fall of the Professional?** In Torstendahl, R. and Burrage, M., **The Formation of Professions: Knowledge, States and Strategy**, SAGE Publications, Sweden: pp. 51-84, 1990

● Perkin, H., **The Third Revolution: Professional Elites in the Modern World**, Routledge, London and New York: pp. 10-52, 1996

● Rossides, D.W., **Professions and Disciplines: Functional and Conflict Perspectives**, Prentice Hall, New Jersey: pp. 54-153, 1998

جامعه های مدرن تنها حقوقدانان، پزشکان، حسابداران یا مهندسان و مانند اینها نیستند که حرفه ای به شمار می آیند، بلکه بوروکراتهای حرفه ای شاغل در دستگاههای دولتی و حکومتی و مدیران حرفه ای در موسسات تجاری نیز حرفه ای اند. به زعم او این «نخبگان حرفه ای» اند که «جامعه های مدرن» را اداره می کنند، و این دو، یعنی «نخبگان حرفه ای» و «جامعه های مدرن» اجزای جدایی ناپذیر از یکدیگر نیستند بلکه کلی واحد را تشکیل می دهند. اما کراس قدرت حرفه ها را بیشتر به زمینه اقتصادی و اجتماعی و سیاسی که حرفه ها در آن فعالیت می کنند وابسته می داند، و معتقد است بر حسب اینکه چه تغییر و تحولاتی در شرایط پیرامون فعالیت حرفه ها روی دهد می تواند از قدرت آنان بکاهد یا بر قدرتش بیفزاید. او در همین زمینه توضیح می دهد که میزان تاثیر پذیری اقتدار حرفه ها از شرایط، به رفتار حرفه ها و نوع واکنش شان به شرایط نیز بستگی دارد و اینکه حرفه ها تا چه اندازه بتوانند در شرایط تغییر یابنده، از قدرت موجودشان محافظت کنند یا بر آن بیفزایند.

#### پانوشتها:

- 1- Professions
- 2- Professionalism
- 3- Trait Theories
- 4- Power Perspective Theories
- 5- Registered Nurse
- 6- The Erode of Professions
- 7- Death of the Guilds
- 8- The End of the Professions
- 9- Post-industrial
- 10- Occupation-based
- 11- Organization-based
- 12- Market-based
- 13- Knowledge-based
- 14- Guild
- 15- Association
- 16- Power and Control Relations
- 17- Power

#### منابع:

- Abbott, A., **The System of Professions**, The University of Chicago Press, Chicago and London: pp. 19-279, 1988
- Bertilsson, M., **The Welfare State, the Professions and Citizens**, In Torstendahl, R. and Burrage, M., **The Formation of Professions: Knowledge, States and Strategy**, SAGE Publications, Sweden: pp. 118-131, 1990
- Brewer, L., **The Future of Professionalism: The**